

تقدیم به تمامی اساتید و دانشجویانی که در ارتباط با کار و مشاغل و مهارت‌آموزی اندیشه‌ورزی می‌کنند، و تمامی کارکنان و مریبان زحمت‌کش سازمان آموزشی فنی و حرفه‌ای وزارت کار و امور اجتماعی.

مقدمه

ایجاد هر گونه ارتباط میان بخشهای آموزش، مهارت‌آموزی و اشتغال طلب می‌کند که سناریوهای روشن آتی اشتغال و کار مورد مطالعه و توجه قرار گیرد. جامعه کنونی به شکلهای مختلفی تعبیر شده است. اصطلاحاتی از قبیل جامعه پسا صنعتی^۱، جهانی شدن^۲، بحران جامعه کار، یک گرایش به طرف جامعه مخاطره‌ای^۳ (بک، ۱۹۹۲)، جامعه اطلاعاتی^۴، جامعه با تحصیلات عالی^۵ (تیچلر، ۱۹۹۱)، جامعه حرفه‌ای^۶ (پرکین، ۱۹۹۶) و جامعه دانش‌گرا^۷، برای توصیف این جامعه عنوان شده است. در مطالعات اخیر هم سازمان بین‌المللی کار (۱۹۹۷: ۳۳) گرایشهای زیر را برای توصیف اشتغال و کار ذکر کرده است:

۱. کاهش اشتغال در بخشهای کشاورزی و صنعت و رشد اشتغال در بخش

خدمات.

-
1. post-industrial society
 2. globalization
 3. risk society
 4. information society
 5. highly educated society
 6. professional society
 7. knowledge society

۲. کوچک شدن بخشهای اشتغال عمومی و دولتی و رشد مناسب در بخش خصوصی.
۳. کاهش فرصتهای شغلی در شرکتها و کمپانیهای بزرگ در بسیاری از کشورها.
۴. افزایش بخشهای غیررسمی اشتغال.
۵. تغییر ساختار شغل و توجه به الزام مهارتها در بسیاری از حرفهها.
۶. کاهش پایداری و امنیت شغلی و رشد اطلاعات روابط کارگر و کارفرما، افزایش مشاغل نیمهوقت، اشتغال کوتاهمدت و افزایش قراردادهای کاری کوچک.
۷. افزایش بیکاری طولانی و ساختاری در بسیاری از کشورها، گرایش متضاد با توجه به شرایط اشتغال و درآمد و پایگاه اجتماعی در درون کشور و بین کشورها.
۸. گرایش عقلانی و کوچک شدن مشاغلی که به آموزش و کارآموزی سطح پایین نیاز دارند.
۹. افزایش تقاضا به مهارتها و سواد رایانه‌ای و فناوری ارتباطی و اطلاعاتی جدید.
۱۰. افزایش در نقشهای شغلی که سطح بالایی از دانش را در سطوح متنوع نیاز دارند.

۱۱. حضور و تقاضای زنان و سالمندان در بازار کار در مقیاس وسیع. در این راستا سؤال اساسی این است که چه دانشها، نگرشها و مهارتهایی باید در برنامه‌ریزی آموزش توسعه منابع انسانی مدنظر قرار گیرند؟ شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و علمی همراه با مفهوم جهانی شدن شرایط جدید و تازه‌ای از مفهوم مهارت^۱ را فراهم نموده است. مفهوم شهروندی جای خودش را به مفهوم وسیع‌تری به نام شهروند جهانی^۲ و شهروند شبکه‌ای^۳ داده است. مدرنیسم و ورود به دنیای پست‌مدرن نیز شرایط زندگی و مفهوم کار و اشتغال را کاملاً متحول

1. skill
2. international citizenship
3. netzen

کرده است. در کنار اینها مفهوم سرمایه نیز ابعاد جدید و وسیعی را به خود گرفته، و شکلهای مختلف آن به صورت سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی جایگاه خاصی یافته است.

این مجموعه تحولات زمینه‌ای شد که مفهوم برنامه‌ریزی آموزش و از همه مهم‌تر مهارتهای قابل اشتغال، که ورود افراد را به دنیای کار و اشتغال فراهم می‌سازد، نیز تغییر و تحول اساسی پیدا کند. در آغاز هزاره سوم و در عصر جهانی شدن، اجتماعات انسانی به سوی جوامع دانش‌محور گام بر می‌دارند؛ به طوری که دانش‌افزایی و دانایی، محور عمده حرکت جوامع عصر حاضر است. توسعه منابع انسانی در راه نیل به اهداف توسعه اقتصادی و اجتماعی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. توسعه منابع انسانی نیز مستلزم آموزشهای مختلف و متنوع است و هر گونه تحول و دگرگونی در شکل و محتوای آموزش نیز موجب تحول و تغییر در وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع می‌شود. اگر تعامل پویا بین نظامهای آموزشی و جامعه وجود داشته باشد، بین نیازهای جامعه با نوع آموزشها انطباق کامل وجود خواهد داشت، زیرا نظامهای آموزشی با عناصر جامعه مدنی نظیر ساختارهای اجتماعی و نظامهای سیاسی شدیداً در ارتباط هستند. تحولات اقتصادی و اجتماعی دنیای معاصر تعریف جدیدی از کار و نیروهای مورد نیاز آن را ارائه نموده است که مستلزم آن است تا سیستمهای آموزشی، مخصوصاً آموزشهای فنی و حرفه‌ای، که تربیت کارگران ماهر و نیمه‌ماهر را به عهده دارند، با عنایت به این تحولات، مهارتهای خاصی را برای تربیت نیروی انسانی در نظر بگیرند. توسعه پایدار و درک ویژگیهای اقتصادی و اجتماعی نیز به ارائه کمی و کیفی آموزشهای مهارتی منجر می‌شود. درک دانشها، بینشها و مهارتهای مورد نیاز جامعه در این فرایندها بسیار اساسی و مهم جلوه می‌کند که لازم است برنامه‌ریزان اقتصادی و اجتماعی به آن توجه کنند.

تجارب کشورهای مختلف جهان در خصوص آموزشهای مهارتی نشان داده است برای اینکه در شرایط کنونی نظامهای آموزش فنی و حرفه‌ای بتوانند به طور

موفقیت آمیز، نیازهای مهارتی جامعه را برطرف کنند، حداقل پنج ویژگی در این نظام حائز اهمیت فراوان است: ۱) مؤثر و کارآمد بودن، ۲) مقرون به صرفه بودن، ۳) رقابتی بودن، ۴) برخورداری از انعطاف، ۵) پاسخ گویی مناسب. این کتاب درصدد است این مهارتهای جدید را با توجه به تحولات اقتصادی و اجتماعی جوامع بررسی کند؛ به ویژه مهارتهای اشتغالزا که اساس برنامه ریزی سیستمهای مهارت آموزشی جامعه را تشکیل می دهند.

در فصل اول، به بررسی ماهیت در حال تغییر از جنبه های پیش از صنعت، صنعت و فراصنعتی پرداخته شده است. پس از آن نظریه های مشتق شده از نظریه فراصنعتی تحت عنوان جامعه اطلاعاتی، فرافوردیسم و فرامدرنیسم مورد بحث و بررسی قرار گرفته، آن گاه مفهوم جهانی شدن و ارتباط آن با کار، شغل و مهارت در این تحولات بررسی و تحلیل شده است.

در فصل دوم، سازمان دهی کار که در این سالها تغییر کرده مورد توجه قرار گرفته است. در این فصل ضمن توضیح دلایل گسترش صلاحیتهای سرمایه انسانی، اهمیت مهارتهای قابلیت اشتغال و استخدام هم توضیح داده شده است؛ زیرا آموزشهای مهارتی در دنیای امروز تأثیر شگرفی بر سازمان دهی کار و شغل دارد.

در فصل سوم به تحولات اجتماعی و اقتصادی و ارتباط آن با کار، شغل و مهارت آموزشی پرداخته شده است. در این فصل بحث می شود که چگونه در برنامه ریزی آموزش توسعه مهارتهای کلیدی^۱ و کانونی برای تربیت کارگر باید به مفروضات نظریه های سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی توجه کرد.

در فصل چهارم به تحولات آموزشهای مهارتی از فوردیسم به طرف اقتصاد یادگیرنده پرداخته شده است. در این فصل نتیجه گیری می شود که مفهوم کار و اشتغال بدون در نظرگیری پارادایم جدید اقتصادی و اجتماعی قابل تحلیل نخواهد بود.

در فصل پنجم ابتدا مهارتهای اشتغالزایی تعریف شده و سپس تجربیات

بسیاری از کشورها از جمله استرالیا، امریکا و انگلستان در شکل‌گیری انواع مهارت‌ها مورد توجه قرار گرفته است.

در فصل ششم به این موضوع پرداخته شده که چگونه الگوی صحیح مهارت‌های مناسب اشتغال برای ورود به بازار کار شناسایی می‌شود. در این فصل به بررسی تجربه کشور استرالیا پرداخته شده؛ همچنین اهمیت مهارت‌های کلیدی و عمومی از قبیل ارتباطات، کار تیمی و سلامت شغلی در دوره‌های آموزشی مختلف مورد بحث قرار گرفته است.

در فصل هفتم نگرش مربیان و کارآموزان دوره‌های مختلف مهارت آموزشی نسبت به مهارت‌های عمومی بررسی و تحلیل شده است.

نکته آخر اینکه این کتاب می‌تواند منبع درسی خوبی برای درس جامعه‌شناسی کار و شغل در رشته علوم اجتماعی، و سایر رشته‌های علوم انسانی از جمله علوم تربیتی در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد نیز قرار گیرد. علاوه بر این، این کتاب منبع خوبی برای تمامی سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان کار و شغل و ارائه مهارت خواهد بود تا با بهره‌گیری از چهارچوب‌های نظری و تجربی کتاب حاضر تصمیمات آگاهانه‌تر و منطقی‌تری برای حل و فصل مسائل مربوط به کار و اشتغال اتخاذ کنند.

دکتر ابراهیم صالحی عمران

عضو هیئت علمی دانشگاه مازندران